

# اهمیت انتخابات مجلس خبرگان رهبری!

دو انتخاباتی که در پیش است، یعنی انتخابات "مجلس خبرگان رهبری" و "شوراهای مردمی" برگزار خواهد شد؟

قرائن بسیاری وجود دارد، که براساس آنها، اگر شرایط کنونی در کشور ادامه یابد، از آنجا که طیف بازنده انتخابات ریاست جمهوری خود را بازنده مطلق این دو انتخابات و بویژه انتخابات پراهمیت "خبرگان رهبری" می داند در صدد لغو این انتخابات و یا موکول کردن آن به زمان دیگری برخواهد آمد.

بنابراین، هراندازه که زمان برگزاری انتخابات مجلس خبرگان رهبری (نیمه اول آبان) نزدیکتر می شود، برشدت توطئه ها نیز افزوده می شود. بسیاری از توطئه های کنونی علیه آزادی مطبوعات، درتنگنا گذاشتن دولت، فلج کردن شهرداری تهران و رهبری حزب "کارگزاران سازندگی"، که غلامحسین کرباسچی دبیرکل آنست، تشدید فعالیت دادگاه ویژه روحانیت و بالا گرفتن موج دستگیری روحانیون نواندیش، سخنرانی های تحریک آمیز آیت الله محمدی کرمانی (نماینده ولی فقیه در سپاه پاسداران) در واحدها و گردهمایی های بسیج و سپاه همگی تهدیداتی است برای غافلگیر شدن در انتخابات مجلس خبرگان رهبری. جبهه "ارتجاع-بازار" و نمایندگان آن، از دو تشکل "روحانیت مبارز" و "موقفه اسلامی"، در حالی که سیاهانده و هدایت کننده تمامی توطئه های کنونی علیه جنبش آزادیخواهی مردم ایران هستند و حلقه محاصره دولت محمد خاتمی را روز به روز تنگ تر می کنند، دست اتحاد نیز به سوی دو تشکل حامی دولت خاتمی، یعنی "مجمع روحانیون مبارز" و "کارگزاران سازندگی" نیز دراز کرده اند.

ابتدا باید دید اهمیت مجلس خبرگان در چیست؟

گروهی ترین تضاد کنونی در ارتباط با این مجلس، آنست که جبهه "ارتجاع-بازار"، همچنان برسر تشریفاتی بودن این مجلس و در اختیار داشتن عنوان آن پای می نشیند. از سوی دیگر، طیف گسترده ای از روحانیون و جبهه طرفدار برنامه های دولت خاتمی، می کوشند تا به انحصار مجلس خبرگان در دست جبهه "ارتجاع-بازار" خاتمه داده و این مجلس را از حالت انفعال خارج ساخته و به مجمع و مجلسی برای کنترل و نظارت بر کار رهبری و تعیین حدود اختیارات آن در چارچوب قانون تبدیل کنند.

جبهه "ارتجاع-بازار"، نه تنها اکنون و بدستی مدعی بخشیدن مقام رهبری به رهبر کنونی جمهوری اسلامی است و او را در مجموع عملگردهایش به سختگیری خویش تبدیل کرده است، بلکه می خواهد این تیغ را پیوسته زیر گلوئی او نگهدارند، تا او بنیاد، در صورت کوچکترین تخطی از چارچوبی که سران این جبهه تعیین کرده اند، از مقامش عزل خواهد شد و کس دیگری جایگزین او خواهد نشست. سران این جبهه، آینده نگری دیگری نیز دارند. آنها با آگاهی از بیماری رهبر کنونی جمهوری اسلامی، می کوشند تا با در اختیار داشتن عنوان مطلق مجلس خبرگان، در زمان مقتضی تشکیل اجلاس داده و سخنگوی بعدی خویش را به "ولایت" و حتی "ولایت مطلق" نشانند. تبانی که اگر برتن آیت الله مهنوی کنی ننشیند، بر تن امتثال آیت الله واعظ طبسی خواهد نشست! در مجموع همین محاسبات است، که فلج سازی حزب کارگزاران سازندگی و تشدید حملات تبلیغاتی به "هاشمی رفسنجانی" برای پایان بخشیدن به خواب و خیال هائی که او نیز در سر دارد، دنبال می شود.

طیف مقابل، می کوشد تا تغییر ترکیب اعضا و رهبری مجلس خبرگان و هویت بخشیدن به آن، در همان چارچوبی که قانون اساسی برای آن تعیین کرده، نه تنها "رهبر" را مقید به پاسخگویی به یک مرجع قانونی کند، بلکه به توطئه "ولایت مطلقه" نیز در همین مرحله خاتمه ببخشد. این طیف می کوشد، ضمن تبدیل مجلس خبرگان به مجلسی واقعی و متشکل ساختن فراکسیون خود در این مجلس، حداقل در این مرحله، به تعهدات و وابستگی های رهبر کنونی جمهوری اسلامی به جبهه "ارتجاع-بازار" خاتمه بدهد و نظارت مالی، سیاسی و حکومتی را بر کارهای وی برقرار کند. همین طیف، با تجربه ای که از مجلس خبرگان، پس از درگذشت آیت الله خمینی دارد، خواهان حضور روحانیون صاحب نظر، دارای استقلال رای و طرفدار اصلاحات در این مجلس است. مجلسی، که اگر ترکیب و هویت آن تغییر نکند، حتی براساس تجربه گذشته، می تواند با یک نشست و برخاست و تحت عنوان "بازنگری قانون اساسی"، به یکباره انتخابات را غیراسلامی اعلام داشته و "ولایت" را تبدیل به "سلطنت" کند! و یا جمهوریت را از نظام کنونی حذف کرده و مثلاً "حکومت عدل اسلامی" را اسلامی تر اعلام و برای همیشه به مشکل "انتخابات" در جمهوری اسلامی خاتمه بخشد!

تمام کوشش جبهه "ارتجاع-بازار" اکنون آنست، که با در خطر نشان دادن موقعیت رهبر کنونی جمهوری اسلامی و نشان دادن خود بعنوان یگانه حامی و مدافع وی، چنان شرایطی را فراهم سازد که "رهبر" هر حادثه جوتی و توطئه آنها را تأیید کند. از جمله انگیزه های اصلی، از بزرگ کردن نطق آیت الله منتظری و سپس جنجالی که در قم برافراشته شد و ماجراهای اخیر اصفهان، برای بزرگ نمایی این حمایت خویش از "رهبر" و ترساندن او از سایه بلند آیت الله منتظری است. با توجه به این واقعیت است، که روزنامه سلام و نشریه "عصرما"، در ارتباط با انتخابات مجلس خبرگان و تکاپوهای جبهه "ارتجاع-بازار" می نویسند: "... در ۸ سال آینده و دوره جدید مجلس جدید خبرگان نیز تغییری در ابقای رهبر کنونی جمهوری اسلامی پیش نخواهد آمد، پس اینهمه پزیشان خاطری انحصار طلبان برای چیست؟ و این به زبان بی زبانی، یعنی "علی خامنه ای" در مجلس آینده هم رهبر انتخاب خواهد شد، اما نه به رای مطلق شما و سخنگوی شما، بلکه با حضور و رای ما در این مجلس و کوتاه شدن دست شما از دم و دستگاه رهبری!

در صورت تحمیل عقب نشینی به جبهه "ارتجاع-بازار" و تغییر ترکیب مجلس خبرگان و هویت یافتن این مجلس، بی شک نظراتها بر کار انتخاب رئیس قوه قضائیه، نمایندگان ولی فقیه در ارگانهای نظامی، مذهبی، دانشگاهی و سیاسی، اعضای شورای نگهبان قانون اساسی، نمایندگان ولی فقیه در ارگان های عظیم اقتصادی نظیر آستان قدس رضوی، بنیاد مستضعفان، بنیاد شهید، کمیته امداد امام خمینی و یا تعیین فرماندهان نیروهای نظامی و دیگر اختیارات گسترده "رهبر" تابع توازن قوای جدید در این مجلس خواهد شد. همین نگاه بسیار گذرا اهمیت انتخابات مجلس خبرگان رهبری را نشان می دهد.

## گروه کار کجاست؟

بزرگترین تله ای که جبهه "ارتجاع-بازار" در این عرصه پایش در آن گیر است، "انتخابات" و ضرورت حضور مردم در پای صندوق های رای است. در جریان انتخابات ریاست جمهوری نزدیک به ۳۳ میلیون از دارندگان حق رای به پای صندوق های رای رفته و رئیس جمهور کنونی با ۲۱ میلیون رای انتخاب شده است. بنابراین، حتی در صورت تصویب افزایش سن رای دهندگان به ۱۸ سال و حذف نسل ۱۸ تا ۱۶ سال از شرکت در انتخابات نیز، میزان شرکت مردم در انتخابات، بصورت مقایسه ای در جامعه مطرح خواهد شد. در انتخابات ریاست جمهوری نزدیک به ۸۰ تا ۸۲ درصد مردم به پای صندوق های رای رفتند، کاهش این درصد در انتخابات مجلس خبرگان، ضربه ایست به مشروعیت این مجلس و "رهبر" منتخب آن. این رای گیری، در واقع رای گیری برای علی خامنه ای نیز به حساب می آید. به همین دلیل است، که طیف "ارتجاع-بازار"، که در انتخابات مجلس پنجم حاضر نشد ۵ نماینده از کارگزاران را در لیست خود قرار دهد و در انتخابات مجلس چهارم، تمام کارگزاران طیف چپ مذهبی و همکاران شناخته شده آیت الله خمینی را رد صلاحیت کرده و از صحنه راند، اکنون دست اتحاد را برای ارائه یک لیست ائتلافی برای مجلس خبرگان، به سوی "مجمع روحانیون مبارز" دراز کرده است! و این، یعنی بی اعتبار شدن مشترک، نزد مردم!

آنها خوب می دانند، که در صورت ارائه یک لیست، مرکب از روحانیون وابسته به خویش، مردم انتخابات را تحریم خواهند کرد و این بزرگترین ضربه به اصل ولایت فقیه "در جمهوری اسلامی است. این تحریم و آن استقبال از انتخابات ریاست جمهوری و انتخاب محمد خاتمی با ۲۱ میلیون رای، عملاً به معنای خواست جمهوری از سوی مردم و طرده ولایت فقیه خواهد بود!

طیف روحانیون نواندیش، مجمع روحانیون مبارز، کارگزاران سازندگی، مجاهدین انقلاب اسلامی و چپ مذهبی، در صورتیکه با جبهه "ارتجاع-بازار" ائتلاف کنند و بر سر یک لیست مشترک به توافق برسند، اولاً با خطر سقوط موقعیت خویش در جنبش مردم روبرو خواهند شد، و ثانیاً شک وتردید بسیار وجود دارد که مردم، در اینصورت نیز به پای صندوق های رای نروند و در این صورت همه آنها بنا هم بازنده انتخابات می شوند. این در حالی است، که در این طیف نیز تنها اظهار نظر شخص محمد خاتمی از نظر مردم تعیین کننده است. یعنی در هر لیستی که او قرار داشته باشد و یا از هر لیستی که او حمایت کند، مردم به آن لیست و آن کاندیداها رای خواهند داد. در این حالت نیز، این احتمال بسیار قوی وجود دارد، که اگر محمد خاتمی نامش در لیست باشد، آرای او با فاصله بسیار، در صدر قرار گرفته و در مجلس خبرگان نیز رای و نظر او تعیین کننده می شود. چنانچه در لیست نباشد و یا از لیست حمایت نکند، بازم انتخابات خبرگان رهبری با استقبال مردم روبرو شده و حتی حالت تحریم می گیرد. در واقع رای خاتمی، تعیین کننده توازن قوا در مجلس خبرگان آینده خواهد شد. این مجموعه بسیار بفرغ و پرتضاد، به انتخابات مجلس خبرگان اهمیتی بخشیده است، که باید آنرا باز شناخت و مردم را، تا زمان برگزاری، نسبت به آن هوشیار ساخت. این هوشیاری نه فقط باید در جهت تغییر ترکیب نمایندگان این مجلس تأثیر مستقیم بگذارد، بلکه باید مانع لغو انتخابات آن توسط جبهه "ارتجاع-بازار" نیز شود. این هوشیاری، باید بتواند بی اعتنائی میلیونها توده مردم ایران، نسبت به این انتخابات را، (در صورت دخالت شورای نگهبان برای برگزاری بی محتوای آن و تحمیل و ارائه یک لیست از نمایندگان وابسته به جبهه "ارتجاع-بازار") تا حد "تحریم" آن به نمایش بگذارد.